



حسن حبیبی، مرد دین و دانش*

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران و پژوهشکده زبان ملل)

انقلاب اسلامی، در سیر تاریخی خود، چهره‌های ممتاز بسیار و رویدادهای مهمی را شاهد بوده است. اما چهره‌هایی که توانسته باشند، با تفکر اعتقادی، به مدت چندین دهه مستمر، در مقام‌هایی که احراز کرده‌اند به خدمت دین و دانش باشند و، در این راه، آثاری پدید آورند، نادر بوده‌اند. حسن حبیبی در شمار کسانی بوده که، حین ایفای مسئولیت‌های اجرایی، به خوبی توانسته است دستاورد علمی و فرهنگی وزین و ارزشمندی از خود به جا گذارد. بی‌شک، اعتقاد راسخ او به انقلاب و تربیت و سابقه و تجربه او در ساحت دانش شخصیت دولتی و علمی او را رقم زده و از وی چهره‌ای ساخته که ابعاد آن به ویژه با اعتدال‌گرایی خاص وی نمودار می‌گردد. در این وجیزه، زندگی و آثار او، به ترتیب تاریخی، در سه مرحله، قبل از عزیمت به

* در بین آثاری که، به مناسبت‌های گوناگون، درباره شادروان حسن حبیبی در زمان حیاتش منتشر شده، بی‌شک حسب حال یک دانشجوی کهنسال (۱۳۷۶)، به قلم خود او، مزایای بسیاری برای شناخت او دارد و مستندترین آنهاست. از لابه‌لای اظهارات گاه کوتاه، گاه طولانی و تمثیلی او درباره فعالیت‌ها و تحصیلاتش در فرانسه همچنین فهرست ترجمه‌ها و تألیفات او، اطلاعات پراکنده اما مهمی حاصل می‌شود. گزارش حاضر بیشتر بر مبنای داده‌های همین منابع تهیه شده و، در مواردی، این داده‌ها با مآخذی دیگر واری شده است. علاوه بر آن، اطلاعاتی درباره تحصیلات آن دولتمرد دانشمند و دانش‌پرور در ایران و اقدامات علمی او از آقای دانیالی (همکار سابق مرحوم دکتر حسن حبیبی) دریافت شده است.

فرانسه؛ اقامت در این کشور؛ و سپس بازگشت به ایران، بررسی شده است. حسن حبیبی ۱۵ اسفند ۱۳۱۵، در خانواده سنتی و اصیل تهرانی و در محله قدیمی نایب السلطنه (خیابان ایران) متولد شد. اولیای او، که به شعائر مذهبی پایند بودند، وی را، در کودکی و پیش از رفتن به دبستان، به خواندن و نوشتن و قرائت قرآن و به حفظ اشعار شعرای بزرگ ایران تشویق می‌کردند. او سال اول و دوم دبستان را در یک سال گذراند. در سال‌های بعد، ضمن تحصیل دبستانی، دروسی را در حوزه‌های علمیه فراگرفت، به خصوص، تابستان‌ها، نزد پدرش و در محضر مدرّسان حوزوی آموزش می‌دید. مشوق اصلی او پدرش بود که از او می‌خواست هم درس بخواند و هم مهارت حرفه‌ای کسب کند؛ مثلاً، در تعطیلات تابستانی، جوراب‌بافی بیاموزد.

حسن حبیبی، در سال ۱۳۲۷، به اخذ گواهینامه دوره ابتدایی و، در سال ۱۳۳۴، به کسب دیپلم متوسطه نایل گشت. طی تحصیل او در سال دوم دبیرستان (سال ۱۳۲۹)، حوادث مهمی در کشور رخ می‌دهد و فعالیت‌های جدی فرهنگی او از همین ایام آغاز می‌گردد چنانکه خود او می‌نویسد:

فعالیت‌های اجتماعی بیش و کم از سال ۱۳۲۹ به خصوص از آذرماه آن سال به گونه‌ای جدی آغاز شد و تاکنون [مرداد ۱۳۷۶] ادامه دارد.

حبیبی، در سال ۱۳۳۵، وارد دانشکده حقوق تهران می‌شود و، در این مقطع، به عنوان کارهای تمرینی-تحقیقی، دو کتاب از عربی به فارسی ترجمه می‌کند و، در پی آن، به پژوهشی درباره ادبیات کودکان می‌پردازد که در آن زمان چندان شناخته نبود. وی، در این باره، می‌نویسد:

آرزو دارم که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بحث مربوط به زبان کودکان را به گونه‌ای سازگار با وظائف فرهنگستان - که بیشتر سیاست‌گذاری است و نه تحقیق و تتبع - مطرح کنم.

او، در همین اوان، آداب‌المتعلمین، رساله‌ای در روش تعلیم طلاب و محصلان و مراتب اخلاقی آنان منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی، همچنین مئیه المُرید فی آداب المُرید و المُستفید، تألیف شهید ثانی را، از عربی به فارسی ترجمه می‌کند. او بر آن است که «هر دو کتاب از لحاظ مسائل مربوط به جامعه‌شناسی تربیتی از اهمیت بالایی برخوردارند».

ظاهراً رشته حقوق باب طبع جوانان پیرو راه مصدق آن ایام بود. اما حبیبی، ضمن تحصیل در دانشکده حقوق، علائق ناگفته‌ای هم به ادبیات داشت. وی در این باره می‌نویسد:

در طول راه دانش‌آموزی و دانشجویی، بیشتر در دانشکده حقوق و بیش و کم در دانشکده ادبیات، با شیوه و طرز کار محققان اسلامی و ایرانی دوره‌های گذشته آشنا شدم.

باز، در جای دیگر، می‌گوید:

در دانشکده ادبیات که بودم، ترجمه ابن‌خلدون منتشر شد. ابن‌خلدون به عنوان فیلسوف سیاست و صاحب‌نظر در مسائل اجتماعی در ایران مطرح بود. ترجمه کتاب دنیای جدید و گسترده‌ای را برای علاقه‌مندان به جامعه‌شناسی و مسائل تمدنی و فرهنگی و بحث‌های نظری تاریخ‌گشود. من نیز، به عنوان دانشجو، در این مسیر افتادم... به چگونگی انتقال علم از یک دنیا به دنیای دیگر توجه نشان دادم.

واقعیت این بود که حبیبی از همان سال‌های ترجمه مقدمه ابن‌خلدون و مطالعه دقیق مقدمه و آثار و احوال وی به قلم و همت محمدپروین گنابادی، به این باور رسیده بود که فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی، به ویژه از طریق مباحث فلسفی و عرفانی آن، جایگاهی در افکار و اندیشه‌های حاکم جوامع علمی دارد. وی ضمناً به خوبی واقف بود که، برای تحقیق در این حوزه، می‌بایست کارهایی در تبویب و تنظیم آن مباحث انجام داد. حبیبی، در این باب، به دستاورد هانری گربن فرانسوی توجه داشت. شکی نیست که وی از حضور ادواری گربن در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آگاه بود و الگوی فعالیت پژوهشی خود را در شیوه این فیلسوف ایران‌شناس محقق در فلسفه و عرفان شیعی سراغ می‌گرفت. بدین قرار، پیش‌زمینه‌های لازم درباره مباحث اسلامی-ایرانی از همین طریق در ذهن او شکل می‌گیرد.

در این احوال، حوادث سیاسی زنجیروار ایران آن سال‌ها حبیبی را به مسائل روز توجه می‌دهد. با نشستن علی‌امینی بر مسند نخست‌وزیری و اختیار سیاست‌مدار با جوامع دانشگاهی از جانب او، موقعیتی پیش می‌آید تا حبیبی با جمعی از دانشجویان همفکر شود و به ملاقات او برود. چند هفته بعد، حاصل این بازدید نمودار می‌گردد و امینی دستور تشکیل سازمان رهبری جوانان را صادر می‌کند. اما وقتی همین سازمان

می‌خواهد برای برگزاری سالروز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ (واقعه دوره زمامداری قوام)، اقدام کند، با مخالفت اکید امینی روبرو می‌شود. وی، سرانجام، حاضر می‌شود، در ۱۵ مرداد ۱۳۴۰، نمایندگان دانشجویانی را که در مقابل کاخ نخست‌وزیری جمع شده بودند - پروانه فروهر، جمشیدی، حسن حبیبی، بنی‌صدر، زرکشوری، و وکیلی - بپذیرد. پس از صحبت‌های بنی‌صدر، حسن حبیبی رشته سخن را در دست می‌گیرد و می‌گوید:

درباره سی‌ام تیر، قوانین صراحت دارد به این که قصد جرم نیست و فرضاً که تظاهر جرم بوده باشد کسانی دستگیر شده‌اند که گفته می‌شود قصد تظاهر داشته‌اند.

امینی جواب می‌دهد:

این یک اقدام احتیاطی بود. ما حق داریم به عنوان اقدام احتیاطی دستور بازداشت بدهیم.

حبیبی، در پاسخ، می‌گوید:

اقدام احتیاطی به این صورت برخلاف اصولی است که در دانشکده حقوق به ما درس می‌دهند. از طرف دیگر، مطابق اصل دهم متمم قانون اساسی، در این گونه موارد کسی را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه و بر طبق قانون. در آن صورت، دلیل گناه مقصر باید متهم تا بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.

به زعم غلامعباس توسلی، یکی از دوستان دوره دانشجویی حبیبی در پاریس، مجادله وی با امینی شهرت زیادی برای او به بار آورد. از تبعات نیک این مجادله جلسات بحث آزاد (کرسی آزاد) در باشگاه روزنامه اطلاعات بود.

در سال‌های پیش از انقلاب، حسینیه ارشاد با نام علی شریعتی و مسجد هدایت با نام آیت‌الله طالقانی پیوند خورده بود و گروهی از جوانان به این دو مرکز دینی توجه داشتند. به گفته توسلی، حبیبی نیز برای شرکت در درس تفسیر طالقانی به آنجا می‌رفت. صدر حاج سید جوادی در همین اوان بود که با حبیبی آشنایی یافت.

در دوره‌های نخست‌وزیری علم و منصور، حبیبی اوضاع را - به‌ویژه پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که فشار حکومت بر نهضت آزادی و حزب زحمتکشان ملت ایران شدت یافته بود - خفقان آور و تحمل‌ناپذیر می‌بیند. در این شرایط بود که حبیبی و بنی‌صدر حدود سال ۴۳، برای تحصیل در مقطع دکتری، عازم پاریس می‌شوند. به گزارش توسلی،

حبیبی، زمانی که در فرانسه بود، تمایل بیشتری به جامعه‌شناسی داشت چون از محل مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، که نراقی و دکتر صدیقی مدیر و رئیس آن بودند، به فرانسه بورس شده بود. حبیبی، در این مؤسسه، رئیس بخش اسناد و مدارک بود. در آنجا، موضوعاتی از روزنامه‌ها در مورد مسائل اجتماعی انتخاب می‌کرد تا روی آنها کار شود.

اکنون ما وارد مرحله دوم زندگی حبیبی می‌شویم که بیست و هشت سال از عمر خود را گذرانده است و در فرانسه زندگی می‌کند. در همین ایام است که حبیبی و شریعتی در پاریس در ارتباط نزدیک‌اند و با روزنامه ایران آزاد، که حبیبی آن را به شماره ۱۷ رسانده بود، همکاری می‌کنند. به پیشنهاد شریعتی که توجه تمام به الجزایر و روشنفکران طرفدار استقلال آن داشت، حبیبی و توسلی و چند تن دیگر از دانشجویان لعنت‌زدگان خاک (۱۹۶۱)، اثر معروف فرانتس فانون^۱، را با عنوان مغضوبین زمین به فارسی ترجمه می‌کنند. به درخواست حبیبی، توسلی مقدمه‌ای بر آن می‌نویسد که به شریعتی نسبت داده می‌شود. حبیبی، فراتر از این، تنظیم و تدوین هشت جلد اول مجموعه آثار شریعتی را، با همکاری جمعی از دوستان نهضت آزادی و نیز همسر شریعتی در خارج از کشور، به چاپ می‌رساند.

حبیبی، در فرانسه، با آثار جامعه‌شناسان مشهور مطرح آن دوره به ویژه با آثار ژرژ گورویچ^۲، از مدافعان استقلال الجزایر، امیل دورکیم^۳ (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی، آشنائی وسیع‌تری می‌یابد.

حبیبی در جلسات و اجتماعات کنفدراسیون دانشجویی در لندن شرکت می‌کند؛ ضمناً گاهی در جلسات هیئت اجرائی اتحادیه دانشجویی حضور می‌یابد، با گروه فارسی‌زبان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا نیز همکاری نزدیک دارد و ناظر و مشاور سیاسی آن می‌شود و، در عین حال، از اعضای اولیه هسته جدید تشکیلات نهضت آزادی ایران در اروپاست. وی، در حوالی سال ۱۳۴۸، در استراسبورگ ساکن می‌شود.

در ایام اقامت امام‌خمینی در نوفل‌لوشاتو، حبیبی مورد توجه حاج احمد خمینی قرار

1) Frantz FANON, *Les Damnés de la terre* (1961).

2) Georges Gurvitch

3) Émile Durkheim

می‌گیرد و از جانب امام مأموریت می‌یابد که به سؤالات خبرنگاران پاسخ دهد. به علاوه، با محافل دانشجویی پاریس مرتبط می‌شود و در محافل دانشجویی شرکت فعال دارد. در شرایطی که فرانسه رویدادهای ماه مه ۱۹۶۸ را با طرفداران پرودون^۴، مائو، و تروتسکی از سر می‌گذراند و، در زمان ریاست جمهوری ژرژ پمپیدو^۵، محیط دانشجویی هنوز هیجان‌زده است، حبیبی، به قرینه اشاراتش به سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۴۸، ظاهراً در پاریس اقامت دارد. منابع از حضور مستمر او در مجامع - خانه ایران، کوی دانشجویان، دانشگاه پاریس و یا کوی دانشگاه خانه مراکش خبر می‌دهند. در سخنرانی سال ۱۹۶۹ او، ونسان مونتی^۶، ایران‌شناس فرانسوی و سرسپرده امام خمینی، شرکت می‌کند.

حبیبی، در پاریس، نخستین سخنرانی خود را با عنوان «ابن‌خلدون، پیشگام جامعه‌شناسی» در خانه ایران ایراد و، در آن، از ایولا کوشت^۷، ن. نصار، ژوزف فون هامر^۸، دسلان^۹، و دبور^{۱۰} (مؤلف فلسفه در اسلام که، در آن، فصلی به ابن‌خلدون اختصاص یافته) به مناسبت یاد می‌کند. وی مقاله‌ای با عنوان «قدرت از نظر ابن‌خلدون» منتشر می‌کند که، از جهاتی، یادآور گفتگوهای اوست با صدر حاج سیدجوادی درباره قدرت روزافزون شاه و لزوم محدود کردن آن. وی، متعاقباً، در پاییز ۱۳۴۸، پس از سخنرانی در خانه ایران؛ کوی دانشجویان؛ دانشگاه پاریس، با عنوان «مولوی، انسان معتمد»، هم خود را بیشتر به مطالعه آثار جامعه‌شناسی فرانسوی‌ها، به ویژه آثار گورویچ و دورکیم، صرف می‌کند.

حبیبی، درباره آشنائی خود با مراکز دانشگاهی و آکادمیائی فرانسه، می‌نویسد:
طول اقامتم در اروپا مرا با مؤسسات آموزشی متعددی از جمله دانشکده‌های حقوق و دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و مؤسسات علوم سیاسی و مدرسه مطالعات عالی چند شهر مهم فرانسه آشنا ساخت و به سر درس بسیاری از استادان بنام این کشور کشاند.
وی کار خود را بر دو مقوله، نوشته‌های تحقیقی و ترجمه، متمرکز می‌سازد و هدف خود را چنین بیان می‌کند:

در نوشته‌ها و به‌خصوص در ترجمه‌هایم، همواره درصدم بوده‌ام مباحثی را مطرح کنم که یا

4) Proudhon

5) Georges Pompidou

6) Vincent MONTÉIL

7) Yves Lacoste

8) Joseph VON HAMMER

9) De Slane

10) T. J. de BŒR

دارای روش تحقیق و بررسی قوی و مفید و یا آموزنده باشند و یا نوآوری‌ها و مسائل تازه‌ای را دربر داشته باشند که، با توجه به آنها، بتوان پژوهش‌های تازه‌ای را آغاز کرد.

او، با این هدف، ترجمه آثار گورویچ و دیگران را در برنامه کار علمی خویش قرار می‌دهد. در سال ۱۳۴۹، ترجمه دیالکتیک یا سیر جدالی جامعه‌شناسی^{۱۱} گورویچ را به پایان می‌رساند و آن را، به همت دوستانی در تهران و یاری و همکاری رفیق آزاده‌ای، به نفقه شرکت سهامی انتشار (تهران ۱۳۵۱) به چاپ می‌رساند. این ترجمه، برخوردار از اقبال علاقه‌مندان، در سال ۱۳۵۲، همراه با ترجمه دیالکتیک و روش‌شناسی^{۱۲}، اثر فیلیپ بوسرمن^{۱۳}، تجدید چاپ می‌شود. در پایان این چاپ، فهرست دیگر ترجمه‌های حبیبی درج شده است. در این فهرست، از آثار گورویچ، جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسانی: گامی فرابیش در پهنه مطالعه جامعه‌شناسی تکاپوها و پیشروی‌های آزادی^{۱۴} (۱۳۵۳)؛ مبانی جامعه‌شناسی حقوقی^{۱۵} (۱۳۵۲) و چاپ بدون تاریخ آن، که به همت مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به چاپ رسیده است؛ اخلاق نظری و علم آداب، امکانات و شرایط^{۱۶} (۱۳۵۸) و، از آثار دورگیم، ترجمه تقسیم کار اجتماعی^{۱۷} (۱۳۵۹)، که به تواتر منتشر شده، درج شده است. پس از آن، حبیبی بیشتر به حیث مرجع معتمد و مجرب در غرب‌شناسی ظاهر می‌شود و وجه انتخاب خود را در هریک از ترجمه‌ها بیان می‌کند و متعاقباً اغلب آنها را در ایران به چاپ می‌رساند. از جمله این ترجمه‌هاست: افضل‌الجهاد از عمّار اوزگان الجزایری^{۱۸} (۱۳۵۷ ش / ۱۳۹۸ ق)؛ دو سرچشمه اخلاق و دین از هانری برگسون، فیلسوف مشهور فرانسوی^{۱۹} (۱۳۵۸)؛ عهدین، قرآن، و علم از موريس بوکای فرانسوی^{۲۰} (۱۳۵۷)؛ اسلام و

- 11) *Dialectique et sociologie* 12) *Dialectique et methodologie*
 13) Phillip BOSSERMAN, *De la dialectique Comme methodologie*
 14) *Déterminismes Sociaux et liberté humaine*
 15) *Éléments de la Sociologie juridique*
 16) *Morale théorique et science des mœurs*
 17) *De la division du travail social*
 18) Ammar Uzeghan, *Le meilleur combat*
 19) BERGSON, Henri, *Les deux sources de la morale et de la religion*
 20) Maurice BUCAILLE, *La Bible, Le Coran, et la science*

بحران عصر ما: کشف اسلام از روزه دوپاسکیه فرانسوی^{۲۱} (۱۳۶۳)؛ اسلام و مسلمانان در روسیه از هیلن کارر دانکوس فرانسوی^{۲۲} (۱۳۵۷)؛ و گفتار درسی درباره خدا از ژول لافیول^{۲۳}، فیلسوف فرانسوی (۱۳۶۰)، که ترجمه‌ای مقطعی است.

حبیبی، که مسئول کمیته فلسطین در انجمن‌های اسلامی دانشجویی در اروپا نیز بود، مجموعه کرامه را، طی سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۱، در پنج جلد ترجمه و در اروپا منتشر می‌کند. بعدها این مجموعه در تهران هم به چاپ می‌رسد.

وی با مرکز مطالعات استراتژیک سوربون همکاری داشت و، در آن مرکز، با شماری از آثار مربوط به نظریه‌های جنگی مردان بزرگ نظامی آشنا می‌شود. در این باره می‌نویسد:

در ضمن همکاری با مرکز مطالعات استراتژیک سوربون و محققان آن، با برخی از آثار مهم در زمینه مباحث استراتژیک و از جمله درباره جنگ^{۲۴} اثر کلوزویتس^{۲۵}، نظامی آلمانی و نظریه‌پرداز جنگ در نیمه اول قرن نوزدهم، و نیز هنر جنگ^{۲۶} اثر سون تزو^{۲۷}، که به قولی در اواخر قرن ششم قبل از میلاد و به قول صحیح‌تر در قرن چهارم قبل از میلاد در چین نوشته شده است، آشنا شدم.

او مجدداً به موضوع دو نظریه‌پرداز اروپایی و آسیایی می‌پردازد و می‌گوید قصدش بر این بوده که مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی جنگ، به عبارت دیگر، پولمولوژی^{۲۸} بنویسد. حبیبی در ادامه، می‌گوید:

اثرسون تزو، در چهار قرن قبل از میلاد و اثر کلوزویتس، در قرن نوزدهم، دو اثر بسیار مهم

21) Roger Du Pasquier, *Découverte de l'Islam*

22) Hélène Carrère d'Encausse, *L'Empire éclaté: La révolte des nations en URSS*

23) Jules Lagneau, *Cours sur Dieu.*

24) *De la guerre*

۲۵) Clauzewitz (Carl von) (وفات: ۱۸۳۱)، ژنرال پروسی و مدرس در مدرسه جنگ برلن و از نظریه‌پردازان برجسته در فنون نظامی. اثر او، درباره جنگ، که طی سال‌های ۱۸۳۲-۱۸۳۷ منتشر شده (← فرهنگ آثار، ج ۲، ص ۱۳۸۵-۱۳۸۶)، در آراء مارکس و انگلس راجع به جنگ مؤثر بوده است. مائوتسه تونگ نیز استراتژی جنگ‌های انقلابی خود را بر اساس نظریه کلوزویتس بنا نهاد.

26) *L'Art de la guerre*

۲۷) از اثر سون-تزو (Sun-Tzu)، هنر جنگ، که شامل هشتاد و دو بند بوده، تنها سیزده بند به جا مانده که شرح فنون نظامی چینی و ژاپنی بر آن مبتنی است.

28) *polémologie*

درباره استراتژی و مسائل مربوط به جنگ هستند که، با فاصله بیست و سه قرن، با یکدیگر پهلو می‌زنند و استراتژیست‌ها و مدرسان دانشگاه‌های جنگ و استراتژی به این دو کتاب به دیده تحسین می‌نگرند.

در همان آغاز جنگ تحمیلی، حبیبی به فکر ترجمه هنر جنگ چینی می‌افتد و، سرانجام، در بهمن ماه ۱۳۵۹ آن را منتشر می‌کند، در حالی که ظاهراً از ترجمه آن به قلم سرلشکر محمودکی (۱۳۵۲) بی‌خبر بوده است.

حبیبی، که در زمینه‌های نظامی همچنان کنجکاو است، بعداً این فرصت را می‌یابد که، ضمن سفرهای خود در سال ۱۳۷۶، سفری به ویتنام داشته باشد و با مارشال جیاب، که با نظریه‌های نظامی داهیانگ خود فراتر از نظریه‌های شناخته شده آن عصر عمل کرد، ملاقات کند و دو بار با او به صحبت بنشیند. راوی این خبر، آقای دانیالی، در سفر مذکور با حبیبی همراه بود.

حبیبی، به تأثیر گرایش نوین جامعه‌شناسی حقوقی گورویچ، به تدوین مبانی جامعه‌شناسی حقوقی می‌پردازد و رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی خود را با عنوان جامعه ایران بر اساس و از منظر رویه قضایی اختیار و از آن در مدرسه مطالعات عالی^{۲۹} پاریس، بخش علوم انسانی، دفاع می‌کند. تاریخ دفاع از رساله و عنوان آن به زبان فرانسه در منابع ذکر نشده اما حبیبی درباره آن اطلاعات مبسوطی به دست داده از جمله آورده است:

وضع نظام وارده و مبتنی بر منطق علم‌الحديث مرا به این راه کشاند که از انفورماتیک برای تدوین مجموعه‌های فهرستگانی و سپس در فقه بهره بگیرم و همین امر مرا به طی کردن دوره علوم اطلاع‌رسانی در سال‌های پایانی اقامتم در فرنگ رهنمون شد و نتیجه کارم رساله‌ای گردید درباره چگونگی استفاده از انفورماتیک در حدیث، که در مدرسه مطالعات عالی، علوم انسانی، از آن دفاع کردم... موضوع تحقیق و رساله‌ام در دوره دکتری جامعه‌شناسی «جامعه ایران بر اساس و از منظر رویه قضایی» بود.

اگر به زمینه‌های گوناگونی که حبیبی درباره آنها به تحقیق و ترجمه پرداخته توجه شود، مشاهده می‌گردد که اغلب آنها دامنه دار بوده و حتی صورت رساله پیدا کرده است. او، از طریق تحقیقات میان‌رشته‌ای، به نتایج مهمی رسید و آنها را، به تواتر، طی اقامت

در خارج و پس از بازگشت به ایران، منتشر کرد. حبیبی، در این مبحث، از جمله مقاله «توصیف و تحلیل جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها (تهران ۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق)» را ارائه کرده و آن را «با ملاحظات و تحقیقات یکی از شاخه‌های تخصصی جامعه‌شناسی یعنی جامعه‌شناسی حقوق یا جامعه‌شناسی حقوقی» ربط داده است. به گفته او، این شاخه، که وجه بین رشته‌ای‌اش آشکار است، در مطالعات و تحقیقات علمی ایران، با وجود غنای مدارک و اسناد فراوان و نیز عرصه فراخ پژوهش‌های میدانی، تاکنون جایی در خور نیافته است.

این مطالعات و تحقیقات بخشی از کارهای پژوهشی حبیبی است که متعاقباً با عنوان جامعه‌شناسی حقوقی (نمونه‌ای از یک بررسی و توصیف و تحلیل جامعه‌شناسی و مردم‌شناختی و آمار و اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها، تهران ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق) به چاپ رسیده و، در آن، بیش از صد و هفتاد و پنج سند منتشر نشده، چند پیوست، از جمله «قباله ازدواج امیرکبیر (۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۸ م)» درج شده است.

حبیبی، در نوفل لوشاتو، از جانب امام خمینی مأموریت می‌یابد که «اولین پیش‌نویس قانون اساسی» را تهیه و تنظیم کند. او، «با استفاده از قوانین اساسی فرانسه و بلژیک و اضافه کردن برخی از اصول و مفاهیم اسلامی» این کار را انجام می‌دهد. بعداً، در ایران، ویرایش دوم پیش‌نویس قانون اساسی با همکاری جعفری لنگرودی و ناصر کاتوزیان تهیه می‌شود و، سرانجام، در دولت موقت مهدی بازرگان و زیر نظر مشاور دولت، یدالله سبحانی، ویرایش نهایی سندی پدید می‌آید که، پس از تصویب آن در شورای انقلاب، در اختیار مجلس بررسی پیش‌نویس نهایی (مجلس خبرگان قانون اساسی) قرار می‌گیرد و، در آنجا، اصل ولایت فقیه به آن اضافه می‌شود.

حبیبی، درباره تحصیلات و مطالعات حقوقی خود می‌نویسد:

طول مدت اقامت در اروپا مرا با مؤسسات آموزشی متعدد از جمله دانشکده‌های حقوق... آشنا ساخت و مرا به درس بسیاری از استادان به نام این کشور کشاند... در دانشکده حقوق فرانسه، در دو رشته حقوق عمومی و حقوق خصوصی، به کار درس و تحقیق پرداختم... در رشته حقوق عمومی، موضوع رساله را «امامت در حقوق شیعه» انتخاب کردم.

حبیبی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به همراه هیئت ملتزم امام خمینی، در تاریخ ۱۲

بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازمی‌گردد و، سه روز پس از ورود به تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مورد توجه مهندس مهدی بازرگان قرار می‌گیرد. به دنبال آن، آیت‌الله طالقانی، چهره شاخص شورای انقلاب، نیز حبیبی را به عنوان مشاور خود انتخاب می‌کند. در همین اوان، بازرگان از جانب امام خمینی مأموریت می‌یابد دولت موقت را تشکیل دهد. حبیبی، در دور اول انتخابات ریاست جمهوری، نامزد می‌شود و، با چهار ملیون رأی، هرچند در رقابت انتخاباتی پیروز نمی‌گردد، در فضای سیاسی کشور شهرت عام کسب می‌کند و، به اعتبار آن، به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شود.

طی سال‌های دفاع مقدس، حبیبی در کابینه اول مهندس میرحسین موسوی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و در کابینه دوم به وزارت دادگستری انتخاب می‌شود. در همین دوره است که او نشریه‌ای با عنوان فصل‌نامه حق بنیان می‌نهد و خود نیز چند مقاله در آن به چاپ می‌رساند. متعاقباً شماری از آنها را در آئینه حقوق (۱۳۷۳) درج می‌کند.

در سال‌های بعد، حبیبی در سرنوشت سیاسی و فرهنگی ایران بیشتر دخیل و با جامعه فرهنگی هم بیشتر مرتبط می‌گردد. در واقع، در سال ۱۳۶۸، در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، مقام جدید معاون اول رئیس‌جمهور پدید می‌آید و حبیبی این مقام را احراز می‌کند. هاشمی رفسنجانی می‌گوید:

اختیارات معاون اول رئیس‌جمهور را در سایه اختیارات رئیس‌جمهوری قرار دادیم تا شبیه حاکمیت دوگانه در حق اجرایی پیش نیاید.

به زعم او، انتخاب دولتمردی همچون حبیبی، انتخاب احسن و اصلح بود. جنگ به پایان رسیده بود و دولت هنوز برنامه‌ای برای سازندگی کشور نداشت و درگیر «روزمرگی بود». در این احوال، شخصیت حقیقی و حقوقی حبیبی، به‌ویژه از حیث رعایت اعتدال و تجربه کار در چندین وزارتخانه همچنین به عنوان شخصیتی که دین و دانش را در خود جمع داشت، جلب نظر می‌کرد. از این رو، او بهترین گزینه برای دو دوره چهار ساله همکاری با رئیس‌جمهوری تلقی شد و تا سال ۱۳۷۶ به همکاری با وی ادامه داد.

ملت ایران، طی این هشت سال، رویدادهای فرهنگی مهمی را در سطح کشور شاهد

بوده که در اغلب آنها حبیبی ایفای نقش کرده است. او عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و این مرجع، پس از بحث‌های طولانی درباره چگونگی تشکیل فرهنگستان‌ها، سرانجام، در جلسه‌های مورخ ۲۶ دی و ۲۴ بهمن ۱۳۶۸، اساس‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را به تصویب رساند. در این اساس‌نامه، برای شورای فرهنگستان حداقل پانزده و حداکثر بیست و پنج تن عضو منظور می‌شود و مقرر می‌گردد که شورای عالی انقلاب فرهنگی پانزده عضو پیوسته و شورای فرهنگستان، پس از تشکیل، تا ده عضو پیوسته دیگر را انتخاب کنند. شورای عالی انقلاب فرهنگی پانزده عضو پیوسته را در ۲ مرداد ۱۳۶۹ انتخاب می‌کند. نخستین جلسه فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تاریخ ۲۶ شهریور این سال با شرکت سیزده تن از اعضای منتخب شورای عالی انقلاب تشکیل می‌شود. در جلسات ۱۷ اردیبهشت و ۱۱ و ۲۵ تیر ۱۳۷۰، شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پنج تن دیگر را به عضویت پیوسته انتخاب می‌کند و، در تاریخ خاطره‌انگیز ۲۷ بهمن همین سال، شمار اعضای پیوسته به هجده می‌رسد. در جلسه مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۷۰، شورای فرهنگستان، طبق ماده ۴ اساس‌نامه، حبیبی را به ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی برمی‌گزیند.

خطابه ورودی^{۳۰} حبیبی، که به رسم فرهنگستان کتیبه‌ها و علوم ادبی^{۳۱} فرانسه می‌بایست در جلسه شورا ایراد شود، هرچند تهیه شده بود، فقط امکان نشر یافت. حبیبی در این باره، می‌نویسد:

من، در فرهنگستان، خطابه ورودی خود را تحت عنوان «زبان حقوقی» آماده کردم، فرصت خطابه نشد و، از این رو، آن را در شماره اول نامه فرهنگستان [ص ۱۳-۳۷] منتشر کردم. حبیبی هدف خود از نگارش این مقاله را چنین بیان کرده است:

از زبان فارسی... در قلمرو حقوق به بهترین وجه بهره گرفته شود و توسعه علم حقوق هم در بسط و توسعه زبان توانمند فارسی به سهم خود مؤثر باشد.

از آنجاکه فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌بایست مؤسسه پژوهشی شناخته شود، شورای گسترش عالی، در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۷۰، این عنوان را تصویب کرد و حتی

30) Discours du récipiendaire

31) Académie des Inscriptions et Belles-Lettres

فرهنگستان را در برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت علمی مجاز دانست. هیئت امنای فرهنگستان نیز تشکیل و نخستین جلسه آن در ۱۵ بهمن برگزار شد و آیین‌نامه مالی و معاملاتی فرهنگستان، در آن، تصویب گردید.

حبیبی، که علاقه خود را به واژه‌گزینی در ترجمه‌ها و مقالات خود نشان داده بود، در پانزدهمین جلسه شورا مورخ ۱۶ دی ۱۳۷۰، مدیریت گروه واژه‌گزینی را بر عهده گرفت و بعداً، طی مقاله‌ای، دستاورد آن را گزارش کرد.

در پی تصویب و ابلاغ مصوبه مجلس در منع دو شغلی بودن مسئولان کشور، حبیبی نتوانست هم معاونت اول ریاست جمهوری و هم ریاست فرهنگستان را داشته باشد. از این رو، استعفای خود را در جلسه مورخ ۲ فروردین ۱۳۷۴ شورا مطرح کرد.

در همان جلسه حداد عادل، یگانه نامزد جانشینی، برای یک دوره چهار ساله به ریاست فرهنگستان انتخاب شد.

در ۲۳ تیرماه ۱۳۷۴، شورای فرهنگستان با رئیس‌جمهور، که ریاست عالی فرهنگستان را نیز دارد، دیدار داشت و حبیبی، در آن، به پیشنهاد حداد عادل، فعالیت‌های فرهنگستان را تا پایان سال ۱۳۷۳ گزارش کرد. او، در این گزارش، از کارهای انجام شده و طرح‌های مصوب در دست سخن گفت، که

از جمله آنها اقداماتی... برای تجهیز مرکز فرهنگستان، ایجاد کتابخانه‌ای با گنجینه حدود پنجاه هزار جلد کتاب، سامان دادن شبکه رایانه‌ای، تشکیل گروه‌های تحقیقاتی، تأمین مسکن پژوهشگران و اعضای هیئت علمی و محققان و دانشجویان مهمان کشورهای همسایه، ایجاد نمایندگی‌ها در مراکز بعضی از استان‌ها با همکاری دانشگاه‌ها و نشر نامه فرهنگستان را باید نام برد.

حبیبی، پس از استعفا از ریاست فرهنگستان، به اقداماتی برای تأسیس بنیاد ایران‌شناسی مبادرت کرد که، در خرداد سال ۱۳۷۶، مجوز آن از جانب وزارت فرهنگ و آموزش عالی صادر شد و حبیبی به ریاست آن انتخاب گردید.

دانشگاه تهران، به پیشنهاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی و مصوبه مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۷۶ شورای بررسی اعطای دکتری افتخاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی، دکتری افتخاری به حسن حبیبی اعطا کرد. مراسم آن، با حضور جمعی از

معاریف و استادان دانشگاه‌ها، روز دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۷۶، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران، برگزار شد. در این مراسم، هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛ محمدرضا عارف، رئیس دانشگاه تهران؛ و آزاد ارمکی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، طی سخنرانی‌هایی، فعالیت‌های تحقیقی حبیبی و خدمات او را در حوزه‌های متعدد علمی و فرهنگی، به ویژه جامعه‌شناسی، برشمردند و شأن و منزلت دانشگاهی او را شناساندند. آزاد ارمکی، با یادآوری این امر که دکتر حبیبی به مطالعه دانش جامعه‌شناسی در پیوند با علم حقوق پرداخته، او را از پیشگامان تحقیقات و مطالعات میان رشته‌ای و شایسته‌ترین استاد جامعه‌شناسی حقوق شمرد و افزود که وی از حقوق به عرفان و فلسفه و از آن به جامعه‌شناسی راه گشوده است.

گزارش این مراسم، با عنوان «آن روی سکه»، در سرمقاله شماره ۹ نامه فرهنگستان (ص ۲-۱۱) به قلم سردبیر آن، احمد سمیعی (گیلانی)، درج شد که، در پایان آن، آمده است:

کسانی که تنها با یک روی سکه وجود حبیبی آشنا بودند... آن روی سکه را نیز دیدند و اردتشان به این چهره ممتاز ایران اسلامی کیفیتی دیگر یافت.

گزارش مفصل مراسم، شامل مجموعه سخنرانی‌ها و کتاب‌شناسی مفصل آثار حبیبی، با عنوان حسب حال یک دانشجوی کهنسال (۱۳۷۶) چاپ و منتشر شد.

علاقه وافر حبیبی به کار فرهنگی در هر فرصتی نمودار می‌شد از جمله جلوه‌های بارز آن را در احیای نگارستان و بازگرداندن شاهنامه طهماسبی به ایران می‌توان دید. به پیشنهاد او، نهاد ریاست جمهوری خانه مسکونی عبدالعظیم قریب، مؤلف نخستین دستور زبان فارسی مستقل به شیوه جدید، را در گرگان خرید که، پس از تعمیر و ترمیم، در ۲۰ آبان ۱۳۷۸، طی مراسمی با حضور اعضای فرهنگستان افتتاح شد.

حبیبی، در دور اول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، همچنان در مقام معاون اول، به خدمات سیاسی ادامه داد و، پس از آن، از سال ۱۳۸۰ تا آخرین روز عمر، صرفاً به کار فرهنگی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی و بنیاد امیرکبیر پرداخت.

این دوره از فعالیت‌های فرهنگی حبیبی شاهد خدمات درخشان او در سازماندهی

اجتماعات و نظارت بر تألیف آثار پرارزش و ماندگار و تهیه طرح‌های تازه در حوزه ایران‌شناسی بوده است. از جمله ثمرات این فعالیت‌هاست تشکیل و برگزاری نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (خرداد ۱۳۸۱) با همکاری چندین نهاد فرهنگی کشور به منظور برقراری ارتباط مستمر پژوهشگران ایران‌شناس، ایجاد فضای نقد و تحلیل آراء و نظریه‌ها و کانونی برای ارائه آخرین دستاوردها و مطالعات ایران‌شناسی همچنین تعیین قلمرو و محدوده آن، بررسی موانع و مشکلات تحقیقات در داخل و خارج از کشور، تعیین اولویت‌های تحقیقاتی و معرفی زمینه‌های نوین مطالعاتی و پژوهشی. حبیبی شخصاً نیز، در این اجتماع فرهنگی معتبر، مقاله‌ای با عنوان «توسعه نظام‌یافته ایران‌شناسی در آینده و چند پرسش اساسی درباره آن» ارائه کرد.

پس از استعفای حدّاد عادل از ریاست فرهنگستان بر اثر انتصاب ایشان به ریاست مجلس در دویست و هفتاد و یکمین جلسه شورای فرهنگستان (۲۹ تیر ۸۳)، حبیبی، در همان جلسه، بار دیگر به ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد. دومین همایش ایران‌شناسی، در سال ۱۳۸۳، محدودتر اما منظم‌تر برگزار شد. سومین همایش، که بر اثر بیماری حبیبی، به تأخیر افتاد، سرانجام، در خرداد ۱۳۸۶ با موضوع تحقیق درباره ایران دوره صفوی برگزار شد.

در این اثنا، حبیبی به تهیه طرح جامعی برای برنامه‌های فعالیت‌های پژوهشی و انتشاراتی مبادرت کرد که، به صورت مقاله‌ای حجیم با عنوان «طراحی مقدماتی برای ایران‌شناسی نظام‌یافته» در شماره‌های پیاپی ۴۰، ص ۸-۴۹ و ۴۱، ص ۱۳-۲۳ نامه فرهنگستان به چاپ رسید و، متعاقباً، یکجا در یک مجلد (ضمیمه شماره ۴۱ نامه فرهنگستان، تهران ۱۳۸۹) منتشر شد.

در سرلوحه این مقاله آمده است:

اگر درست بگویم و اشتباه نکنم، ما نه در خارج ایران، با سابقه چند صدساله، و نه در ایران، با سابقه بیش از نیم قرن، برای ایران‌شناسی طرحی نظام‌یافته نداشته‌ایم. شاید درست‌تر این بود که عنوان این گفتار «طرحی برای ایران‌شناسی نظام‌یافته» اختیار می‌شد، اما احتیاط اقتضا می‌کرد و می‌کند که احتمال داده شود طرحی یا طرح‌هایی در این باب وجود داشته باشد و

اختیار مطلق طرح برای عنوان پرمدعائی باشد. ناگزیر باید طرح را مقدّماتی خواند تا حق طرح‌های احتمالی دیگر ضایع نشود.

سپس، به اصل مطلب می‌پردازد و می‌نویسد:

راقم این سطور علاقه‌مند است که ایران به طور کامل یا به نسبت کامل شناخته شود و می‌داند که این به آسانی شدنی نیست. اگر ایران، مانند برخی از کشورها، تنها ده یا بیست یا حداکثر دو بیست سال سابقه تاریخی داشت، بازشناسی آن طی ده‌ها سال با امکانات فراوان احتمالاً شدنی بود. اما اگر بخوایم چندین و چند هزار سال تاریخ ایران را بشناسیم باید راهی پریچ و خم را در تاریکی‌ها و روشنایی‌ها بپیماییم.

حبیبی، در همین مقاله، پس از سخنانی درباره فضای آموزشی بنیاد ایران‌شناسی و رشته‌هایی که در آنجا ایجاد شده و خواهد شد، اظهار امیدواری می‌کند که «در ظرف چند سال، اگر خدا بخواهد، مکتب ایران‌شناسی تعریف شده‌ای پایه‌گذاری خواهد شد».

حبیبی، سوای توجه به بنیاد ایران‌شناسی و مدیریت آن، در فرهنگستان هم به تحقیقات شخصی روی می‌آورد. مقالات متعدّد و متنوعی به قلم او در نامه فرهنگستان مندرج است که شماری از آنها در فهرست راهنمای ده دوره نامه فرهنگستان (۱۳۷۴-۱۳۸۸) معرفی شده است. از جمله آنهاست:

□ «برخی از ویژگی‌های زبانی و نمونه‌هایی از اصطلاحات حقوق اداری و دیوانی در سه قانون مهم مجلس اول در دوره مشروطه» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۲۰، ص ۴-۳۷). وی، در آن، درباره متن این سه قانون می‌گوید:

در دوره اول مجلس، شش متن به تصویب رسیده است که بیش و کم همه آنها با حقوق اداری نسبت دارند؛ اما سه متن از این مجموعه، که به طور کامل به حقوق اداری مربوط اند، موضوع بحث این نوشته‌اند. این سه متن تعداد قابل توجهی از اصطلاحات حقوق اداری و دیوانی را در خود جای داده‌اند. (همان، ص ۱۵)

□ «صد و ده واژه قرآن کریم در زبان محاوره مردم تهران (در چهل سال قبل)» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۲۱، ص ۵-۳۰) که حبیبی، در آغاز آن، می‌نویسد:

حضور قرآن کریم در ادبیات ایران، اعم از شعر و نثر کم‌نظیر است... صاحب این قلم، که در گذشته به نسبت دور برخی از کلمات و اصطلاحات و تعبیرات زبان روزمره و عامیانه تهرانی را به تفنّن یادداشت می‌کردم، در ایام اخیر، که فرصتی بیشتر برای انس با قرآن و نیز رسیدگی

به یادداشت‌های پراکنده و اندک گذشته خود یافت، به چند اصطلاح مرتبط با قرآن برخورد و، در نتیجه، به فکر افتاد که الفاظ اصطلاحات و تعبیرات قرآنی چهل سال پیش را که در گفت‌وگوهای مردم تهران، به تواتر، به کار رفته است گردآوری کند. روشی که برگزیده است قرائت قرآن با توجه به این معنی و یادداشت لغات و اصطلاحات قرآنی موجود در زبان محاوره عامه مردم تهران است. (همان، ص ۵-۶)

و، به دنبال آن، می‌افزاید:

نویسنده پایان محدوده زمانی این لغات و اصطلاحات را چهل سال پیش گرفته است [۱۳۴۲]؛ از آن رو که، در حدود چهل سال قبل، به سفری تقریباً دور و دراز رفته و، پس از بازگشت نیز، بیشتر با زبان، رسمی، و نه محاوره تهرانی، سروکار داشته است. بنابراین، محدوده اطلاعات خود را در چهل سال پیش متوقف می‌داند. (همان، ص ۶)

□ «طرح تدوین اصطلاحات و تعبیرات حقوقی، بر اساس قوانین و مقررات و دیگر اسناد حقوقی صدساله اخیر و گزارش کوتاهی از زبان حقوقی این دوره» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۲۴، ص ۶-۱۵). نویسنده هدف اصلی از اجرای طرح را پاسخ به دو پرسش گزارش می‌کند: «نخست اینکه، با بررسی مجموعه قوانین و مقررات مدون صد سال اخیر... چه اصطلاحات و تعبیراتی در متون حقوقی به کار رفته‌اند». دیگر آنکه «ساخت زبان حقوقی... جمله‌بندی و شیوه بیان، استفاده از افعال، دخل و تصرف در معانی زبان عامه مردم و جعل معنای حقوقی برای الفاظ عمومی و نظایر اینها» چه کیفیتی دارد (همان، ص ۹). گستره زمانی تحقیق نیز «از ابتدای مشروطیت (۱۳۲۴ق) تا زمان حاضر، یعنی صد سال اخیر» (همان، ص ۱۰) تعیین شده، چون قانون‌گذاری سامان یافته از این دوره شروع شده است.

□ جزوه نمونه‌هایی از اصطلاحات اسلامی به عربی و فارسی و معادل آن در زبان فرانسه (ضمیمه شماره ۴۹ نامه فرهنگستان، تهران ۱۳۹۱). نویسنده، در مقدمه، سلسله مراتب تحقیقات خود را نیز یادآور می‌شود و، درباره مرحله اول آن، می‌نویسد:

راقم این سطور، در ایامی که بیش و کم با متونی به زبان فرانسه در مباحث یادشده سروکار داشت، از روی کنجکاوی و هم برای نقل برخی مطالب از زبان عربی و فارسی به زبان فرانسه، علاقه‌مند و نیازمند توجه به معادل‌های اصطلاحات فارسی به ویژه عربی در زبان فرانسه بود و به گردآوری و ثبت و ضبط این معادل‌ها یا نشانی آنها اهتمام ورزید. (همان، ص ۲)

وی، درباره مرحله دوم، به نوع و نحوه تحقیقات خود در فرانسه می‌پردازد و می‌گوید:

در ایام اقامت در اروپا، بخشی از این معادل‌ها را در نوشته‌های به زبان فرانسه خود به کار بردم... از یکی دو سال بعد نیز، در ترجمه کتاب‌هایی که مشحون از اصطلاحات فلسفی در کلام و جامعه‌شناختی و حقوقی و روانشناسی بود، همین گنجینه، در جهات عکس یعنی در ترجمه به زبان فارسی، مددکارم شد. (همان، ص ۳)

در مرحله سوم، درباره سرو سامان دادن به این یادداشت‌ها، می‌افزاید:

در بازگشت به ایران، دل‌مشغولی‌های دیگر مرا از پرداختن مرتب و منظم به معادل‌یابی و واژه‌گزینی... بازداشت... بی‌درنگ یادآوری کنم که تهیه واژه‌نامه و، گسترده‌تر از آن، تدوین فرهنگ مصطلحات دو زبانه عربی / فارسی-فرانسه... نمی‌تواند فراگیر باشد و می‌توان گفت که حتی گردآوری کتب و مقالات در حد نه چندان وسیع نیز در ایران عملی نیست. (همان‌جا)

□ «بعضی در سیاست علمی کشور و جایگاه فرهنگستان‌ها به ویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی در قلمرو سیاست علمی کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبان و ادب فارسی» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۲۷، ص ۲-۲۶؛ شماره پیاپی ۲۸، ص ۲-۲۶؛ شماره پیاپی ۲۹، ص ۲-۲۵) که متعاقباً در جزوه مستقلی (ضمیمه شماره ۲۵ نامه فرهنگستان، تهران ۱۳۸۵) گرد آمده است. حبیبی در «یادداشت» آغاز این جزوه متذکر شده است:

تا ما در زمینه‌های علمی و فنی و ادبی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و فرهنگستان‌ها به تقسیم کار مشخص و مبتنی بر اصول و ضوابط معین نیندیشیم و در این خصوص به نتیجه روشن نرسیم، نه می‌توانیم اولویت‌های آموزشی و پژوهشی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خود را به درستی تعیین کنیم و نه در یافتن راه حل جدید و، به بیان دیگر، عرضه نظریه‌های تازه و، در یک کلام، نظریه‌پردازی توفیق رفیقمان خواهد شد.

□ «سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تاکنون» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۳۷، ص ۲-۳۷) که نویسنده، در آن، بیشتر به سیر واژه‌گزینی و نشیب و فراز آن در فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌پردازد.

□ «طرح تدوین اطلس تاریخی زبان و ادب فارسی» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۴۷، ص ۲-۸). نویسنده، در آن، از مشغله‌های فکری خود در روزهای آخر سال ۱۳۸۹ تا اواسط فروردین ۱۳۹۰ یاد می‌کند و می‌گوید: در آن ایام، «به دو کار می‌پرداختم: یکی نهائی کردن وصف ایران و برخی مناطق آن در نقشه‌های دوره اسلامی، از انتشارات بنیاد ایران‌شناسی...؛ دیگری «اندیشه در زبان فارسی و گستردگی آن در طول تاریخ» (همان، ص ۲). پیداست که مراد نویسنده از «اطلس تاریخی

زبان و ادب فارسی» ناظر به همین اندیشه است. حبیبی، برای تدوین این اطلس راهکارها و روش پژوهشی پیشنهاد می‌کند (همان، ص ۵-۶) و «مراحل پژوهش» را بر اساس انواع منابع مشخص می‌سازد. (همان، ص ۷)

حبیبی، که خود مبتکر چاپ و نشر جشن‌نامه به مناسبت مراسم بزرگداشت برگزیدگان فرهنگستان‌ها در هر سال بوده، در جشن‌نامه‌های اعضای پیوسته برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با نگارش مقدمه و مقاله سهم مؤثر یافت. مقاله‌های او با عناوین «چند نکته درباره اصطلاحات حقوقی بنیادی و چگونگی تعریف برخی از آنها» (۱۳۸۴)؛ «صحبت و ریاست در قرن ابتدائی پس از ظهور اسلام» (۱۳۸۶)؛ «توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها (تهران ۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق)» (۱۳۸۷) به ترتیب در جشن‌نامه‌های محمد خوانساری، محمدعلی موحد، و اسماعیل سعادت چاپ و منتشر شد. به علاوه، او، برای تحریک بخشیدن به فعالیت‌های بنیاد ایران‌شناسی، مجالسی به میزبانی مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی ترتیب داد که، در آنها، از جمله شماری از اعضای پیوسته فرهنگستان، در مباحث زبانی و ادبی و فرهنگی، سخن راندند و سخنرانی‌های آنان در جزوه‌هایی چاپ و منتشر شد.

در ۱۲ آبان ۱۳۸۷، دبیر فرهنگستان گزارشی از وضعیت جسمانی حبیبی ارائه کرد. متعاقباً در سیصد و پنجاه و ششمین شورای فرهنگستان جلسه ۲۲ تیر سال ۱۳۸۸، حبیبی، «نخستین بار پس از گذراندن دوران نقاهت خود، حضور می‌یابد» (نامه فرهنگستان، شماره پیاپی ۴۱، ص ۱۸۰).

حبیبی، در ایام آخر عمر، ظاهراً در هوای آن بوده است که خرده یادداشت‌های خود را به صورتی در دسترس جامعه فرهنگی ما بگذارد و، به این مقصود، بر آن می‌شود که آنها را به تدریج تنظیم کند و ذیل عنوان «قراضه علوم انسانی» برای چاپ به نامه فرهنگستان بسپارد. نخستین دسته از این یادداشت‌ها، با همان عنوان، در شماره پیاپی ۴۸ نامه فرهنگستان، ص ۱۲۰-۱۳۰ به چاپ می‌رسد.

حبیبی، در این مقاله، تجربیات خود در حوزه واژه‌گزینی و افکاری را که طی سال‌های شرکت در جلسات شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اداره این جلسات به ذهنش خطور کرده منعکس ساخته است. وی در وجه تصمیم خود

به چاپ و نشر یادداشت‌ها می‌نویسد:

اگر نخواهیم کتاب‌سازی و مقاله‌سازی کنیم، برخی مطالب را نمی‌توان گسترده ساخت تا به شکل و شمایل مقاله و کتاب درآید. در عین حال، نکته یا نکته‌هایی هست که نمی‌توان از سر آنها گذشت؛ پرسش‌هایی است که پاسخ می‌طلبد و ابهاماتی است که شایسته است رفع شود. (نامه فرهنگستان، ش ۴۸، ص ۱۲۰)

وی، به دنبال این تذکر، می‌افزاید:

در این اواخر، به فکر افتادم، آنچه را به عنوان پیشنهاد یا گزارش قضیه‌ای یا مسئله‌ای مربوط به زبان و ادب فارسی و امور فرهنگی در ذهن دارم و یا، از این پس، همکاران مطرح می‌کنند، بی‌آنکه به صورت قطعی از قول خود یا آنان نقل کنم، به صورت نکته‌های مجزا از یکدیگر و بدون فصل‌بندی، در فاصله انتشار دو شماره نامه فرهنگستان، انشا کنم تا، به لطف استاد سمیعی، ذیل عناوینی، در هریک از شماره‌های آن منتشر شود. (همان، ص ۱۲۱)

متأسفانه اجل مهلت نداد که کار تنظیم خُرده یادداشت‌ها ادامه یابد.

در حسب حال یک دانشجوی کهنسال، نوشته حبیبی (ص ۱۱۵-۱۱۷)، عناوین ترجمه‌ها و تألیف‌ها و مقالات او ذکر شده است. شماری از این مقالات در جامعه، فرهنگ، سیاست (۱۳۶۳)؛ در آئینه حقوق (۱۳۶۷)؛ در جست‌وجوی ریشه‌ها (۱۳۷۳)؛ و در منطق حقوقی و انفورماتیک حقوقی (۱۳۷۳) منتشر شده است. بعداً آثار دیگری، از جمله چند ترجمه، بر عملکرد پژوهشی او افزوده شد. در سخن عشق هم، شماری از مقاله‌های حبیبی منجمله «تفکر علمی، در جست‌وجوی حقیقت قضائی»؛ «زبان در شعر حافظ»؛ «فولکلور حقوقی»؛ و «مولوی، انسان متعهد» مندرج است.

حبیبی، در سه مرحله از زندگی خود، که وصف آنها به ترتیب تاریخی گذشت و هریک رنگ و بوی خاصی داشت، موفق بود و مدبرانه عمل کرد. عمق نظر او را در آثارش شاهدیم. حبیبی دولتمرد و رجل سیاسی تمام‌عیاری بود در خدمت فرهنگ، شیفته اعتلای اعتبار علمی و ادبی و فرهنگی ایران که، تا آخرین لحظات حیات پربار خود، با تمام وجود، در خدمت دانش و دین گذراند. روانش شاد و یادش همواره زنده باد.

منابع

- امینی، ایرج، بر مال بحران، زندگی سیاسی علی امینی، ج ۳، نشر ماهی، تهران ۱۳۸۸.
- حبیبی (۱)، حسن، جشن نامه استاد دکتر محمد خوانساری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
- _____ (۲)، جشن نامه استاد اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۷.
- _____ (۳)، جشن نامه محمدعلی موحد، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۶.
- _____ (۴)، جامعه‌شناسی حقوقی، نمونه‌ای از یک بررسی و توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و آمار اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها (تهران، ۱۳۲۴-۱۳۱۳ق)، اطلاعات، تهران ۱۳۸۷.
- _____ (۵)، سخن عشق، به مناسبت اعطای دکترای افتخاری دانشگاه تهران به دکتر حسن حبیبی، روابط عمومی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۶.
- حدّاد عادل، غلامعلی، با احترام، مجموعه مقالات اهداشده به استادان، هرمس، تهران ۱۳۸۶.
- طیب‌زاده، امید و زهرا رضائی‌منش، فهرست راهنمای ده دوره نامه فرهنگستان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۹.
- فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۷۰ (زیر نظر محسن ناجی نصرآبادی)، چهار جلد، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۰.
- مجموعه سخنرانی‌های مراسم بزرگداشت استاد دکتر حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، علوم پزشکی، علوم، هنر جمهوری اسلامی ایران، پنج‌شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۸۲، دبیرخانه مشترک فرهنگستان‌ها، تهران ۱۳۸۲.
- مهرنامه، (مصاحبه با ا. هاشمی رفسنجانی، غ. کرباسچی، غ. توسلی، م. توسلی و صدر حاج سید جوادی)، سال چهارم (تیر ۱۳۹۲)، پیاپی ۲۹، ص ۷۸-۸۸.
- نامه فرهنگستان، شماره‌های پیاپی ۴۸-۱ (۱۳۷۴-۱۳۹۰).

□